

خشونت و قهر در نوار غزه

کوروش عرفانی

دوشنبه نهم دی ۱۳۸۷

روز ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ در عرض کمتر از سه دقیقه بیش از یک صد هدف مورد حمله قرار گرفت و بیش از یک صد تن بمب توسط بمب افکن های اسرائیلی بر سر مردم در منطقه ی نوار غزه ریخته شد.^۱ این شدیدترین حمله از زمان جنگ سال ۱۹۴۷ معرفی شده است.

جنایت جدید رژیم یهودسالار اسرائیل در نوار غزه که ننگی برای کل بشریت مسخ شده ی امروز است توجهات را به این جلب می کند که با چه توجیه و مشروعیتی می توان به کشتارهایی از این دست اقدام کرد. دولت ایالات متحده و بسیاری دیگر از دولت ها و نهادهای زیر سلطه ی صهیونیسم جهانی در این مورد با ذکر موشک پراکنی های حماس و سایر گروه های فلسطینی تلاش کرده اند که این حمله اسرائیل را پاسخی به اقدامات این گروه ها معرفی کنند.^۲ این گونه برخورد حتی تا سایت های رسمی «سازمان های انقلابی» نیز نفوذ کرده است و این جای تاسف بسیار دارد.^۳ پرداختن به خود این کشتار و توصیف جنایت صفتی رژیم ضد بشری اسرائیل حرفی خواهد بود تکراری، زیرا چه کسی، با داشتن حداقلی از آگاهی، حتی در دورافتاده ترین روستاهای جهان است که درباره ی ماهیت پلید و ضد انسانی مجموعه ی صهیونیسم و اسرائیل کمترین شکی داشته باشد. بنابراین به جای پرداختن به این حرامزاده ی ضد تاریخ - اسرائیل - بهتر است به این موضوع بپردازیم که استفاده از زور کجا می تواند از مشروعیت برخوردار باشد و کجا قابل محکومیت است.

قهر و خشونت

اگر این نکته را که بکارگیری زور به طور کلی یک پدیده ی غیر انسانی است به صورت یک اصل اخلاقی و فلسفی در نظر داشته باشیم با بازگشت به دنیای واقعیت های اجتماعی و سیاسی در می یابیم که دو نوع زور وجود دارد: خشونت و قهر. تفکیک میان این دو در قضاوت منصفانه در مواردی مانند کشتار فلسطینی ها توسط اسرائیل و یا

¹ http://www.palestineherald.com/homepage/local_story_362225250.html?keyword=leadpicturestory

² http://www.bbc.co.uk/persian/world/2008/12/081228_op_gaza_reax.shtml

³ . متن خبر زیر طوری تنظیم شده است که تقصیر و گناه این حمله را به گردن فلسطینی ها می اندازد. «تهاجم هوایی اسرائیل به نوار غزه، دهها کشته و زخمی به جای گذاشت.

6:03:23 AM ۱۳۸۷/۱۰/۷

به گزارش تلویزیون الجزیره نیروی هوایی اسرائیل امروز حمله های متعددی را به مقر نیروهای امنیتی حماس در غزه به اجرا گذاشت که در جریان آن دهها نفر کشته و مجروح شدند. امدادگران آمار تلفات را بیش از ۱۲۰ کشته و ۲۰۰ مجروح اعلام کرده اند. مقامهای اسرائیلی در چند روز اخیر نسبت به موشک باران شبه نظامیان حماس به جنوب اسرائیل هشدار داده و اعلام کرده بودند که چنین اقدامهایی قابل تحمل نیست. یادآوری می شود که از پایان آتش بس غزه، حماس بیش از ۸۰ موشک به آبادیهای یهودی نشین شلیک کرده است. «

(منبع: خبرمنتشر شده در سایت سازمان مجاهدین خلق ایران <http://www.mojahedin.org/pages/detailsNews.aspx?newsid=37035>)

کشتار مردم ایران توسط رژیم ضد بشری آخوندی می تواند یاری رساند.

به عنوان یک تعریف پایه ای می توانیم بگوییم که زمانی که زور توسط یک قدرت ستمگر و ظالم بکار می رود تا رابطه ای نابرابر و ظالمانه پایدار بماند خشونت اعمال شده است و زمانی که زور توسط یک قدرت ستمدیده و مظلوم بکار می رود تا رابطه ای نابرابر و ظالمانه را به هم بزند قهر اعمال شده است.

بنابراین خشونت دارای وجهی ضد انسانی، ناعادلانه، ستمگرانه و لذا ضد اخلاقی و نامشروع است و قهر دارای جنبه ای انسانی، عدالت طلبانه، آزادیخواهانه و لذا اخلاق پسند و مشروع است.

خشونت به صورت ساختاری و ضد مردم اعمال می شود و قهر به صورت خودجوش و از سوی مردم. تفاوت خشونت و قهر یک تفاوت ماهوی و ذاتی است و بیانگر دو نوع به کلی متضاد در استفاده از زور است.

در مورد فلسطین دقت داشته باشیم که یک نیروی غاصب، با پشتوانه ی نظامی، مالی و مادی و تبلیغاتی می رود و سرزمین دیگران را اشغال می کند، به مدت شصت سال آنها را از خانه هایشان می راند (میلیون های آواره ی فلسطینی)، آنها را کشتار می کند (از صبرا و شتیلا تا دیر یاسین و تا همین قتل عام امروز)، به بدترین نوع ممکن و به صورت روزانه به مدت بیش از شصت سال آنها را مورد ستم و تحقیر و توهین قرار می دهد، صدها هزار نفر از جوانان این سرزمین را به زندان افکنده و بدترین شکنجه های جسمی و روانی را بر آنها اعمال می کند، آب و برق و دارو و مواد خوراکی آنها را قطع می کند، میلیون ها ساعت از وقت آنها را در پشت ایستگاه های بازرسی به طور روزانه از بین می برد، هر گونه اعتراضی را با گلوله پاسخ می دهد، آنها را در خانه های خودشان زندانی می کند و به دور مناطق و شهرهای آنها دیوار بتونی می کشد، کودکان فلسطینی را از هرگونه آموزش و سلامت روانی و آینده محروم می کند، به طور تدریجی تمام سرزمین های آنها را اشغال می کند، دامداری و کشاورزی و صنعت آنها را نابود می کند، آنها را از حق داشتن سازمان سیاسی مستقل، انتخابات آزاد و رفت و آمد آزاد در سرزمین هایشان محروم می کند، در جهان آنها را به عنوان تروریست و خشونت طلب و جنایتکاران خود را به عنوان قربانی و مظلوم معرفی می کند و در یک کلام، به دنبال نابودسازی سیستماتیک، برنامه ریزی شده و فکر شده ی آنها می باشد و در پاسخ به تمام این همه ظلم و ستم فاحش شصت ساله و برنامه ی برداشتن یک کشور از نقشه ی کره ی زمین، کمترین شکل مقاومت را به صورت «خشونت» و یا «تروریسم» معرفی می سازد و به بی رحمانه ترین طریق ممکن آن را سرکوب می کند.

همه ی آنچه رفت، یعنی مصداق های بارز ستمگری و ظلم و اجحاف و حق کشی، براساس تعریفی که آمد بیانگر «خشونت» است. یک خشونت ساختاری، فکر شده، برنامه ریزی شده و هدفمند.

بدیهی است در این صورت هر گونه حرکتی که به عنوان واکنش از جانب مردم فلسطین به صورت انفرادی یا سازماندهی شده بروز کند، بر اساس تعریف بالا مصداق قهر است، یعنی مبارزه از سوی ستمدیدگان فلسطینی برای پایان بخشیدن یا کاهش خشونت جسمی و روحی که از جانب قدرت ضد انسانی صهیونیستی اعمال می شود.

بدیهی است که ستمگر از لحاظ رفتاری بی شرم و دریده و بی حیا و دروغگو است. چنانچه رژیم یهودسالار اسرائیل و شبکه ی صهیونیستی آن از این خصلت برخوردار است. این شبکه با تکیه بر افراد خود که در سراسر جهان و در عرصه های وسایل ارتباط جمعی و سیاست مستقر کرده است، شبانه روز به تبلیغات مشغول است تا این طور جلوه

دهد که مظلوم تر از مردم اسرائیل در تاریخ بشر نبوده و نیست و نخواهد بود و این که آدمکش تر و جنایتکارتر از فلسطینی و یا مسلمانان عرب نیز در جهان نبوده و نیست و نخواهد بود.

در حالی که نمایش مسخره ی انتخاباتی اسرائیل برای انتخاب قصابان بر راس کار به عنوان «تنها دموکراسی خاورمیانه» معرفی می شود، انتخابات آزاد فلسطینی ها که منجر به روی کار آمدن حماس شد به عنوان «نامشروع» معرفی شده و بنابراین به صهیونیسم اجازه می دهد که یک میلیون انسان را مورد تجاوز و قتل عام قرار داده و آب و برق و دارو را به عنوان مجازات جمعی بابت چنین انتخابی به آنها تحمیل کند.

قضاوت در باره ی اینکه خشونت کجاست را باید در ترورهای دولتی اسرائیل دید که با استفاده از قدرت فن آوری خود در هر جای دنیا - اروپا، سوریه، لبنان، اردن، عراق، ... دشمنان خود را شناسایی و آنها را ترور می کند. ارتش اسرائیل پاسخ سنگ را با توپ می دهد، پاسخ سنگ انداز را با تانک و پاسخ خمپاره یا موشک دست ساخته شده با حلی ناودان را با هواپیمای بمب افکن اف-۱۶. به همان صورت که آن تصویر معروف در سراسر جهان را باید بیاد آوریم که در آن سربازان اسرائیلی شانه یک فلسطینی را که به سوی آنها سنگ انداخته بود با سنگ خرد می کردند.



خشونت و قهر:

سربازان تا دندان مسلح رژیم اشغالگر صهیونیستی و نوجوان فلسطینی باسنگ

قضاوت در باره ی خشونت و قهر را باید در نبرد میان ستمگر و ستم دیده دید. هر گونه زوری از جانب ستمگر خشونت است و هر نوع کنشی از جانب ستم دیده مقاومت.

وقتی جمهوری اسلامی دستگیر می کند، اعدام می کند، شکنجه می دهد، شلاق می زند، آفتابه به گردن جوانان را در خیابان ها می چرخاند، سنگسار می کند، بر سر چهارراه ها به دار می کشد، با باتوم و گاز اشک آور به جان کارگران و دانشجویان می افتد، ... همه نمودهایی از خشونت است و هنگامی که مردم ایران برای دفاع از جان و شرافت خویش دست به اسلحه می برند، ارتش آزادیبخش تشکیل می دهند، به آتش می کشند، کوکتل مولوتوف پرتاب می کنند، مزدوران رژیم را در بلوچستان و کردستان تنبیه و مجازات می کنند... همگی نمودهایی از قهر هستند.

مبارزه ی قهر آمیز چه در فلسطین، چه در ایران و چه در طول هفته های گذشته در شهرهای یونان، مصداق بارز مبارزه برای حفظ انسانیت است. مبارزه قهر آمیز پاسخ منطقی به خشونت است. همه ی کسانی که می خواهند با تزهایی به ظاهر انسان دوستانه، روشنفکر مآبانه و شکل گرا «هر نوع استفاده از زور» را پیشاپیش محکوم کنند باید بدانند که مبارزه ی قهر آمیز یک کنش نیست، یک واکنش است، واکنش طبیعی و قابل درک ستم دیدگان است به کنش

خشونت آمیز که از جانب ستمگران اعمال می شود. خشونت امری است سیاسی و مبارزه ی قهر آمیز یک پدیده ی اجتماعی است. خشونت از جانب قدرت است و قهر از جانب ضد قدرت.

بی شک در جهانی که خشونت وجود نداشته باشد قهر هم نخواهد بود، اما برعکس آن نمی تواند وجود داشته باشد. تازمانی که پدیده های ضد تاریخی و ضد بشری مانند رژیم یهودسالار صهیونیستی اسرائیل و حامیان آن و یا رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی و آدمکشان آن وجود دارند بی شک قهر نه به عنوان یک انتخاب، که به عنوان یک اجبار مطرح می شود. در مقابل، رژیم های اسرائیل و ایران به کار گیری هر زبان دیگری جز قهر فقط مصداق رویابافی، غیرواقع گرا بودن و عدم درک ضرورت هاست. قهر نه تنها یگانه ابزار مناسب برخورد با رژیم های ضد انسانی است بلکه تنها نوع مبارزه ای است که از حیث اخلاقی میتواند باعث حفظ شرافت و حیثیت انسان ستمدیده شود. هرگونه قضاوتی که بخواهد مرزهای میان خشونت و قهر را در ورای مرزبندی میان ستمگر و ستمدیده قرار دهد و برای داوری یک کنش یا یک جریان از کلیشه ها و تیترها استفاده کند بی شک به مرز بی انصافی، بی عدالتی و حتی همدستی با جنایتکاران در خواهد غلطید. برچسب تروریستی بر مقاومت مسلحانه ی مجاهدین در مقابل رژیم آدمکش جمهوری اسلامی نمونه ای از این مخدوش کردن مرز ستمگر و ستمدیده است، به همین ترتیب که سایر سازمان های مسلح انقلابی و مردمی که در لیست کذایی آمریکا و اروپا قرار گرفته اند. لیستی که به سادگی بیانگر یک واقعیت معکوس بوده و نشان دهنده ی همدستی جبهه ی جهانی ستم سالاری بر علیه مظلومان کره ی زمین است. به همین دلیل نیز باید همیشه و همیشه معیار ظالم و مظلوم تنها ابزار قضاوتی ما درباره ی این نوع از جنایات علیه بشریت، آنگونه که اینک در نوار غزه می بینیم، باشد.

*

این نوشته ی کوتاه را با تصاویر زیر به پایان می بریم. تصاویری که به خوبی اجازه می دهد ببینیم آنچه امروز در نوار غزه به خاک و خون کشیده شده است نه فقط فلسطینی های بی دفاع و بی گناه، بلکه هم چنین احساس مسئولیت و شرافت اخلاقی ماست تا بدانیم که سکوت پیشه کنیم یا خیر.

**

تمامی تصاویر صفحات زیر مربوط است به کشتار مردم نوار غزه توسط

رژیم یهود سالار اسرائیل در تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸









کورش عرفانی

<http://www.koroshfani.com>

koroshfani@yahoo.com